

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۵

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه امام خمینی (ره) و محورهای دوازده گانه سند پکن (۱)*

نویسنده: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان

چکیده

در بررسی مقایسه‌ای محورهای دوازده گانه سند پکن، بافرازهایی از گفتار و نوشتار امام خمینی (ره)، مطالبی به آن افزوده شده یا ترتیب ذکر بعضی محورها به دلیل اهمیت آنها در نگاه امام خمینی (ره) و اینکه امام در چنین قالبی تخصصی، مطالب تفصیلی زیادی ندارد یا در مقام بحث برنیامده است، جابجا شده است.

در واقع هر یک از مقولات مطرح شده در اجلاس‌های بین‌المللی می‌تواند به مثابه نوعی طرح پرسش از امام باشد و تدوین دیدگاه یا پاسخ صریح و فتوا و حکم امام در قبال هر یک از آنها می‌تواند به ارائه آموزه‌ای منسجم در بحث زنان کمک کند.

نوشتار حاضر بر این روش استوار است که مسائل و شبهات مربوط به زنان را به مثابه پرسش در مقابل امام، نوشتارها و گفتارهای وی قرار دهد و آن را به نطق وادار کند و از آنها پاسخ می‌گیرد. بنابراین محورهای دوازده گانه موضوع بحث ماست. بنابراین هر یک از محورهای دوازده گانه سند پکن بیان شده و سپس نظر امام و دیدگاه ایشان در این باره مطرح شده است. در واقع امام نسبت به دیدگاه‌های مطرح شده در سند پکن، در مورد زنان نوعی آینده پردازی کرده اند و مواردی که از نظر ایشان در این سند نادیده گرفته شده است نیز در آن آورده‌اند.

کلید واژگان: امام خمینی (ره)، سند پکن، خانواده، زنان، محیط زیست.

* این مقاله برگرفته از پروژه‌ای به همین نام است که در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان سپاه، آقای دکتر ابراهیم برزگر انجام داده است.

تاریخ بشر مشحون از ستمهای بی شماری است که از سوی قدرتمندان و جباران علیه محرومان و مظلومان اعمال گشته است و هر از چند گاهی این مظلومان بوده اند که در پی ندای صالحی از تبار انبیا و اولیا بر ستم پیشگان برآشفته اند و با نثار خون خود و تحمل مصائب انبوه رایحه ای از نسیم عدالت و انصاف را به مشام جهانیان رسانده اند. اما در این میان زن به عنوان نیمی از پیکره بشریت علاوه بر سهمی که از این ستم تاریخی نصیب برده، گرفتار ظلمی مضاعف بوده است. چرا که زن به عنوان «همسر مرد» به نوعی شریک غم و سپر بلای او بوده و حتی در بسیاری اوقات که ستم جباران منجر به مرگ مرد می شده است. او بوده که باید بار مسئولیت را یک تنه بردوش می کشیده است. علاوه بر اینها زن چه به عنوان دختر، در خانه پدر یا به عنوان همسر، در کنار شوهر، بطور کلی زن در برابر مرد، از شأنی شایسته برخوردار نبوده است و به صورت عنصری ضعیف و یا قابل ترحم، کرامت وی در اغلب موارد نادیده انگاشته شده است، هر چند در فرهنگها و جوامع مختلف و در طول تاریخ، این تمایز و اختلاف، شدت و ضعف داشته است، استمرار و فراگیری آن غیر قابل انکار است. روند ظلم و تعدی به جنس مونث در زمان عرب جاهلی آغازی بود که به صور مختلف در زمانهای گذشته تکرار می شد. در چنین شرایطی بود که استعمار نیز که بر اساس سلطه طلبی خود در جستجوی راهها و شیوه های مناسب برای نفوذ فرهنگی و سیاسی در جامعه بود، موقعیت زنان را بهانه قرارداد و با شعار آزادی و مساوات، فرهنگ برهنگی و بی بندوباری را اشاعه داد و در این راه حتی خشن ترین رویه های استبدادی را نیز در قالب کشف حجاب رضاخانی به کار گرفت. این منش در دوره فرزند خلف رضاخان، شکل تلطیف شده و زیرکانه تری به خود گرفت. در ادبیات

شاهانه از زن با عنوان «فریبا» یاد شد. زن فریبا، نسخه بدل و نمونه استعماری از تصویر زن در جامعه غربی است که متأسفانه در نسخه اصلی آن نیز کرامت و شخصیت واقعی زن در مسلخ فلسفه مادی غرب قربانی شد تا «اقتصاد و لذت»، این دو معبود و مقصود انسان غربی را فراهم آورد. بدینسان در تمدن غرب زن تا حد زیادی در خدمت تبلیغ و فروش کالا است یا در خدمت تبلیغ و فروش خود. در همه حال، او متاعی است در خدمت نظام سلطه که به سفارش «حاکم» ایفای نقش می‌کند.

با عنایت به مطالب فوق است که فروغ اندیشه، سترگی و عظمت حضرت امام (ره) در احیای هویت اصیل زن مسلمان، بهتر شناخته می‌شود. امام که خود از نزدیک شاهد برداشتهای متحجرانه از جایگاه زن به عنوان «ضعیفه» بود و از سوی دیگر با تیزبینی خاص خود، نقش زن فریبا و ملعبه شاه و استعمار را در ابتذال، فساد، از خود بیگانگی و خود باختگی جوامع مسلمان به خوبی احساس می‌کرد با سودجستن از کوثر زلال معارف اسلام ناب محمدی (ص) و تعمق و تأمل مجتهدانه در میراث گرانقدر «سنت نبوی» و تعالیم «ائمه معصومین» (ع) از موضع مرجع تقلید روشن ضمیر و مبارز به آنچنان درک درستی از نقش و مسئولیت زن دست یافت که تجلی و بروز آن را در احیای هویت زن مسلمان در انقلاب اسلامی شاهدیم. سیره عملی، فرمایشات و مواضع روشنگرانه و فتاوای راهگشای ایشان در این زمینه که ضمن وفاداری به اصول و محکمت دین، در چارچوب حقوق مسلم شرقی بیان شده، می‌تواند راهنمای عملی نسلی باشد که به جایگاه حقیقی زن می‌اندیشد. هرچند امام درباره موضوع های مطرح شده در سند دوازده گانه پکن، مطالب زیادی ندارد یا در مقام بحث برنیامده است ولی از گفته‌ها، فرمایشات و سیره عملی ایشان برای بررسی و مقایسه رفتار جهانی با زن و اندیشه‌های

ایشان استفاده کرد و مواردی را از نظرایشان در این سند نادیده گرفته شده است اصلاح نمود و برای آموزندگان راهگشایی کرد.

۱- خانواده و حقوق انسانی زنان در آن (حقوق بشر مربوط به زنان)

«خانواده»: در نگرش سیستماتیک امام خمینی (ره) زنان به عنوان یکی از اجزای هسته اصلی جوامع بشری مطرح شده‌اند، به نحوی که سایر اجزا و همه واکنشها باید با این واحد کانونی تنظیم شود.

زن در خانواده از نقش محوری برخوردار است. نقش مادری وی در هر حال نباید به فراموشی سپرده شود. «وظیفه اجتماعی» وی بویژه تربیت نسل آینده، انسان‌سازی و تربیت شهروندان خوب برای جامعه از خطوط قرمزی است که باید محترم شمرده شود. پذیرش نقشهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دیگر، بشدت از سوی این دیدگاه مورد حمایت و توصیه است با این همه ایفای نقشهای اجتماعی نباید خللی در نقش انسان‌سازی و محبت‌ورزی مادرانه ایجاد کند. در غیر این صورت کاروان بشری که زنان نیز بخشی از آن می‌باشند به سر منزل مقصود و خوشبختی مادی و معنوی نخواهد رسید.

از نظر امام، حقوق انسانی زن در خانواده از سوی شوهر و فرزندان در شئون مختلف معنوی، مالی و اقتصادی و همچنین حقوق مدنی او محترم و محفوظ است.

نگاه و نگرش به زنان، نگرشی برخاسته از احترام متقابل و حتی نوعی نگرش عرفانی است که زنان را در منزلت و جایگاهی والاتر از مردان قرار می‌دهد.

در حوزه خانواده و در صحنه عمل به دلایل گوناگونی نظیر نگرش مردسالارانه و ترجیح جنس مذکر بر مؤنث یا به دلیل برخورداری مردان و شوهران از نیروی

جسمی بیشتر، یا به دلیل فرهنگ و عرف خرافاتی اجتماع و بازتاب آن بر خانواده، یا به دلیل عدم ارزشگذاری اقتصادی کار زنان در خانواده، یا به دلیل برخی قوانین ساخته شده بشری و فقهی، محدودیتهایی زنان مسلمان را احاطه کرده است و در مواردی واکنشهای ذهنی یا عاطفی یا رفتاری آنان را برانگیخته است و امام تاکید دارد این مسئله باید از طریق ذیل حل و فصل شود:

- اصلاح و نگرشها نسبت به زنان که از طریق تغییرات ایجاد شده در نگرشها، رفتارها اصلاح شود.
- ترویج سلوک عملی و رفتار بزرگان و رهبران کاریزماتیک با زنان در محیط خانواده می‌تواند یکی از این راهکارها باشد.
- اصلاح گرایشهای اخلاقی راهکار دیگری برای تغییر رفتارهاست.
- توصیه‌های اخلاقی و دینی از طریق رسانه‌های تأثیرگذار دینی و جز آن از آن جمله است.
- اصلاح رفتارها و کنش‌های نابهنجار با صدور احکام فقهی و اعلام کردن حرمت رفتارهای نامطلوب و ظالمانه، نظیر پرداخت جریمه مالی یا دیه، درقبال خشونت در سطوح مختلف علیه زنان از سوی شوهر، از آن جمله است.

در مواردی که مطالبات بحق زنان باممانعت فتاوی و احکام فقهی یا حقوق مدنی سستی مواجه می‌شود، امام خمینی (ره) راهگشایی فقهی کرده است. به طور مثال حق طلاق به طور سنتی توسط فقیهان به «مردان» داده شده است. اما زنان می‌توانند با استفاده از سازوکار «شرط ضمن عقد»، هنگام عقد ازدواج با مرد، هرگونه شرطی را که به آن علاقه‌مندند در صورتی که مخالفت صریحی با شرع نداشته باشد، مطرح کنند و به این وسیله به توانمندسازی خود و کسب ضمانتهای اجرایی

قوی برای رفتارهای پیشگیرانه علیه خود، اقدام کنند. سازوکار فقهی «شروط ضمن عقد» به نحوی که خلاف شرع نباشد، از جمله سازوکارهایی است که امام جهت تحقق برخی از مطالبات زنان ارائه کرده‌اند.

«زنانی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار دهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان، مثلاً می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت یا اگر بد رفتاری با زن کرد، زن وکیل باشد در طلاق.» (امام، ۱۳۵۸، ۳۰۷، ۱۳۵۸)

«در ضمن عقد ازدواج، زن می‌تواند، حق طلاق را برای خودش بوجود آورد.» (امام، ۱۳۵۷، ۳۰۴، ۱۳۵۷)

تعارض برخی از قوانین حامی وضعیت زنان، با احکام فقهی زنان یکی از تنگناها در این حوزه است. مثلاً قانون حمایت خانواده که در سال ۱۳۴۶ تصویب شد و در سال ۱۳۵۳ قانونی با همان عنوان جایگزین آن شد، در برخی از مسائل ازدواج و طلاق، حقوق خاصی را برای زن در نظر گرفته بود که با فقه اسلام در تعارض بود و پس از انقلاب، موارد مباین آن با شرع، لغو گردید. (طفرانگار، ۱۳۸۳، ۲۲۴، البته اشکالاتی از حیث حقوقی داشت و حقوقدانها نیز از آن انتقاد کرده‌اند و آن را قوانینی دانسته‌اند که نه تنها از خانواده حمایت نمی‌کند، بلکه به اسم حمایت از زن، مبانی خانواده را سست و زمینه از هم گسیختگی آن را فراهم می‌کند. (صفایی، ۱۱، ۱۳۷۰))

در سالهای اخیر نظریه‌های جدیدی مطرح شده و برخی از فقیهان و عالمان بحثها و نظریه‌های تازه‌ای را عنوان ساخته‌اند و زمینه‌های لازم فکری و روانی را برای تغییر برخی از این گونه مقررات فراهم ساخته‌اند. نظریه فقهی امام خمینی (ره) درباره نقش زمان و مکان در اجتهاد نیز بستر لازم را برای این گونه تحولات مهیا می‌سازد. (طفرانگار، ۴۱۶، ۱۳۸۳)

۲- آموزش و پرورش زنان (سند پکن، ۱۳۷۵)

واقعتهای آماری در جهان بیانگر آن است که دختران و زنان شمار بیشتری از بیسوادان را تشکیل می‌دهند و امکانات آموزشی و رفاهی کمتری برای آنان اختصاص می‌یابد و در مواردی امکانات یا ذهنیتهای مناسبی برای آموزش تحصیلات عالی و تکمیلی و مادام‌العمر برای زنان وجود ندارد. مزاحمت‌های جنسی در مدارس و دانشگاهها نیز خودبه‌مثابه مانع دیگری برای ادامه تحصیل و آموزش زنان درآمده است. (مرتوس، ۴۴۰، ۱۳۸۳)

با توجه به نقشی که آموزش و پرورش در توانمندسازی زنان دارد و رابطه‌ای که آموزش و پرورش و تحصیلات عالی با سایر عرصه‌ها نظیر اشتغال، ورود در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، رسانه‌های گروهی و حتی بهداشت و تندرستی آنان دارد، ضعف زنان در این حیطه به سایر عرصه‌ها تسری پیدا می‌کند. (مرتوس، ۴۱۶، ۱۳۸۳)

امام خمینی (ره) برای مبارزه با بی‌سوادی زن و مرد به طور یکسان بسیج عمومی اعلام کرده‌اند و آن را عبادت دانسته‌اند تا انگیزه بیشتری برای از بین بردن آن ایجاد کنند:

« لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند. وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپا خیزد.... برادران و خواهران ایمانی! برای رفع این نقیصه دردآور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن برکنید. تعلیم و تعلم عبادتی است که خدای تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، با سوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد دهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای بیسواد را تعلیم کنند و بیسوادان از این امر سرپیچی نکنند. » (امام، ۱۲۱، ۱۳۵۱)

امام خمینی (ره) در بیاناتی به مناسبت روز زن، در جمع بانوان، با صراحت تمام اعلام می‌کند که علم و تحصیل انحصار به هیچ قشری ندارد و بنابراین زنان نیز همدوش مردان باید به توانمندسازی خود اهتمام ورزند:

«در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماسست.» (امام، ۱۳۶۳، ۱۲۱)

ودر همین سخنرانی از زنان می‌خواهند که باتلاش و توانمندسازی خود ظلم و تبعیضی را که در دوران پادشاهی به آنها شده است جبران کنند:

« من امیدوارم که خانمهای مسلمین در هر جا هستند به شما اقتدا کنند به شما عزیزان که کوشش دارید برای اینکه ارزش زن را هر چه بیشتر بالا ببرید و آن ظلمی که به شما در آن زمان شد، با کوشش خودتان جبران کنید.» (امام، ۱۳۶۳، ۱۲۱)

در جای دیگر از تبلیغات منفی در مورد زنان در ایران سخن می‌گویند و در سخنرانی‌های مکرر، آن را اظهار می‌دارند:

«چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده‌اند که خیال می‌کنند اسلام آمده است که فقط زن را خانه‌نشین کند، چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟» (امام، ۱۳۵۷، ۱۰۳)

«زن و مرد، همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند. آزادند در اینکه رأی بدهند، رأی بگیرند.» (امام، ۱۳۵۹، ۵۹) «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت.» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۱۳۵).

۳- زنان، اقتصاد، فقر و اشتغال

کشورهای در حال توسعه، دارای لشکری از فقیران‌اند که اکثریت آنان را زنان تشکیل می‌دهند. بیشتر جمعیت فقیران کشورها زنان می‌باشند. (سند پکن، ۱۳۷۵، بند ۴۷)

بين فقر زنان با شاخصهای منفی ديگر، مثل آموزش و پرورش، بهداشت، مسكن، حقوق سياسی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. ضعف بنيه اقتصادی زنان به ساير حوزه‌های حقوق انسانی زنان (بهداشت، آموزش و سياست و...) تسری می‌یابد. (مرتوس، ۱۳۸۲، ۳۳۳)

۳-۱- مسائل اشتغال و کار زنان در بخش غير رسمی

رابطه‌ای بين فقر زنان و کار بی‌مزد زنانه، یا کار در بخش غير رسمی، وجود دارد. کار يعنی «مبادله زحمت در ازای مزد در بازار». ولی «کارهای زنانه» مثل پرورش فرزند، مراقبت از اعضای بیمار خانواده و سالمند، رسیدگی به امور خانه، کشاورزی برای امرار معاش، کارهای بی‌مزد و «مواجه» تلقی می‌شوند و در اکثر معیارهای اقتصادی از قبیل تولید ناخالص ملی GNP محاسبه نمی‌شوند.

۳-۲- مسائل اشتغال زنان در بخش رسمی (کار همراه با دستمزد)*

زنان و كمبود فرصتهای شغلی (مرتوس، ص ۱۱۸) خودداری کارفرمایان از استخدام و یا اخراج آنان به دليل افت کاری ناشی از بارداری و جز آن (ص ۱۲۳). زنان و خطر از دست دادن موقعیت شغلی (مرتوس، ۱۱۸).

اشتغال زنان و مزد کمتر و شرایط نامطلوب کاری، به دليل نابرابری جنسیتی و عدم توان مذاکره (ص ۱۱۸).

مزاحمت جنسی علیه زنان در محیط کار (مرتوس، ص ۳۷۲-۳۷۵).

زنان و تأثیرات فقهی جهانی شدن بر فرصتهای شغلی آنان (ص ۱۲۰).

*مرتوس و همکاران در کتاب خود، «کار» را از «اقتصاد» جدا ساخته و در بخش مستقلی با عنوان «حقوق انسانی زنان و کار» بدان پرداخته‌اند و کار را در دو بخش رسمی و غيررسمی بررسی کرده‌اند.

و توانمندسازی اقتصادی زنان در ابعاد ترسیم خط‌مشی دولتی، اصلاح قوانین و طراحی سازوکارهای دیگر مد نظر امام قرار دارد.

امام خمینی (ره) معتقدند که اقتصاد در کنار سایر اجزاء از جمله فرهنگ، باید مد نظر قرار گیرد، اقتصاد زیربناییست. «نظر مابه اقتصاد نیست مگر به طور عادت، نظر مابه فرهنگ اسلامی است.» (امام، ۱۳۵۸، ۷۲)

«زیربنا توحید است. زیربنا عقاید حق‌الهی است. نه زیربنا شکم. اینهایی که اقتصاد را زیربنا می‌دانند، اینها منحط‌کردند، انسان را از حدانسانیت به حدیک حیوانی مثل سایر حیوانات.» (امام، ۱۳۷۵، ۷۲)

عدالت اجتماعی و اقتصادی از شعبه‌های عدالت است که از اصول «مذهب» می‌باشد. طبیعی است که این عدالت اجتماعی بازتابی نیز در قشرهای زنان پیدا می‌کند.

امام به طور اصولی با فقر زنان و مردان مبارزه می‌کند و آن را وظیفه‌ای دینی در جهت تحقق عدالت اجتماعی در جامعه و رسالت انبیا می‌داند.

ایشان با استناد به متون و ادبیات دینی، برای زنان خانه‌دار، چنین حقی قائل است که برای انجام کارهای منزل و حتی شیر دادن فرزندان مطالبه مزد و حقوق مالی کنند. در حقوق اسلامی برای زن حق نفقه در نظر گرفته شده است که شامل همه نیازهای غذایی، پوشاکی و جز آن می‌شود. این مباحث موجب می‌شود که استقلال اقتصادی زنان محقق شود و مسئله کار غیررسمی حل شود.

امام خمینی (ره) در مورد کار در بخش‌های رسمی نیز اصولاً در جاهای مختلف، این حق را به مقدار برابر برای زنان پذیرفته‌اند:

«در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت... در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لیکن هم در

مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفسده بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می‌آفریند، حرام است.» (امام، ۱۳۵۷، ۳۴)

«موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده‌اند که خیال می‌کنند اسلام آمده است زن را خانه‌نشین کند.... چرا با کار کردن او مخالف کنیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم. زن چون مرد در تمام اینها آزاد است؛ زن هرگز با مرد فرقی ندارد. در اسلام زن باید حجاب داشته باشد. ولی لازم نیست که چادر باشد.» (امام، ۱۳۰۷، ۱۳۰)

«شماها آزادی در کارهای صحیح... اما اگر بخواهند کاری خلاف عفت بکنند و یا مضر به حال ملت بکنند، جلوگیری می‌شود.» (امام، ۱۳۵۷، ۲۵۹)

از نظر امام کار و اشتغال زنان و حضور آنان در فعالیتهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کاملاً آزاد است. طبعاً دولت نیز بسترهای لازم را باید فراهم کند و توسعه دهد. مهم آن است که حضور زنان، با حجاب و پوشش لازم، انجام شود برای اینکه اولاً حدود اسلامی رعایت شود، دوم اینکه محیط کار مفسده برانگیز نباشد، سوم آنکه اشتغال به کارهای مجاز باشد و بالاخره اینکه شروط ذکر شده، جز شرط حجاب، عمومیت دارد و فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. حجاب در محیط کار نیز خود بستر مناسبی برای فعالیت زنان فراهم می‌کند و موضوع آزارها و مزاحمت‌های جنسی در محیط کار را تا حدود زیادی مهار می‌کند چون عوامل تحریک‌کننده غرایز جنسی کمتر می‌شود. افزایش فعالیتهای اجتماعی زنان بعد از انقلاب اسلامی به گونه‌ای بوده است که بیشتر افراد به آن اذعان داشته‌اند و این امر نقش مهم و تأثیرگذار انقلاب در حضور اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. (نصیری، ۱۳۷۷، ۴۵)

نگرشهای فقهی مناسب، نیز پشتوانه دینی قوی تری برای به صحنه اجتماع کشاندن و کسب مهارتها و توانمندسازی زنان فراهم ساخته است. اظهارات یکی از فقهای ارشد نظام در این باب مؤیدی بر همین موضوع است: «... باید تأکید کنم که مابه صورت واجب کفایی نیاز داریم که بعضی از زنها بروند، تخصصهایی غیر از خانه داری کسب کنند.» (جتی، ۱۳۸۳، ۱۸۵)

درباره اشتغال زنان در خارج از منزل، امام نظریاتی دارند: به طور اصولی امام آن را با رعایت ضوابط دینی از جمله رضایت همسر و رعایت عفاف جایز می شمردند.

کار خارج از منزل را به شرط عدم آسیب رسیدن به کانون خانواده و انجام وظیفه همسری و مادری و تربیت فرزند یا انسان سازی جایز می شمردند:

نظر امام «درباره اشتغال زنان (در خارج از منزل) این بود که اشکالی ندارد. البته تا حدی که خانواده لطمه نخورد. زیرا زن را مربی جامعه می دانستند. ایشان نقش زن را در تحکیم خانواده بسیار مؤثر می دانستند. حتی معتقد بودند که زن می تواند مرد بد را اصلاح کند. اگر محیط خانواده محیط مناسبی باشد، کارخلاف در آن جایی نخواهد داشت. بچه ها صالح بار می آیند و جامعه نیز جامعه ای صالح خواهد شد. بنابراین از نظر ایشان زن هنگامی می تواند بیرون از خانه کار کند که به خانواده اش صدمه ای وارد نشود.» (طباطبایی، ۲۵۱)

بدین ترتیب ظرایف زیادی در اجرا کردن این الگو وجود دارد که فقط با دیدگاه حقوق رسمی وقواعد خشک آن، قابل اجرا نیست. در مواردی نوعی «جمع اضداد» است. چرا که تعدد نقشهای متفاوت و ایفای این نقشها در زمان واحد از سوی زنان با مشکل مواجه می شود. مگر آنکه در کنار مسائل حقوق رسمی به مسائل شرعی، اخلاقی، تفاهم و همدلی نیز توجه شود. این

نکته‌ای است که در سایر عرصه‌ها نیز در جهت کمال، توجه به آن ضروری است. جمع فعالیت‌های دنیوی و آخرت گرایی و مقوله‌هایی از این دست، در الگوی توسعه اسلامی و جمع ابعاد متضاد در شخصیت‌های برجسته نظیر پیامبر (ص) و امام علی (ع) از این جمله است.

۴- زنان و رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی یکی از ابزارهایی است که کاربرد نادرست آن می‌تواند مسئله آفرینی کند؛ و کاربرد صحیح آن موجب رشد و اعتلای بشری می‌شود. می‌تواند با پخش تصاویر منفی و خفت‌بار از زنان به کلیشه سکس محوری زنان دامن زند یا زنان را به مثابه موجوداتی فروتر و به عنوان اشیا و کالاهای جنسی عرضه کند یا از آنها به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغات تجاری استفاده کند یا آنها را فقط به صورت « مصرف کننده» به نمایش گذارد و شخصیت آنان را به شکل ناشایسته‌ای مطرح کند یا به خشونت علیه زنان دامن زند. همچنان که تقویت گرایش جنسی و حیوان‌گونه انسانها، با پخش تصاویر مستهجن و جا انداختن تصویر کلیشه‌ای زنان و تقویت شهوات مردان موجب می‌شود تا آزارهای جنسی علیه زنان در محیط مدرسه، کوچه و خیابان و محل کار افزایش یابد. (سند پیکر، ۱۳۷۵، ۱۷۵) رسانه‌های گروهی می‌توانند در خدمت تجارت جنسی، شبکه‌های بین‌المللی روسپیگری زنان و توریسم جنسی قرار گیرد. (همان، ۹۳)

امام خمینی (ره) بر نقش ابزاری رسانه‌های گروهی تأکید می‌ورزد و اینکه رسانه‌ها می‌توانند انسانها را به صلاح و رستگاری برسانند و به صراط مستقیم اسلام و انسانیت هدایت کنند، یا برعکس آنان را به فساد و تباهی و ضلالت بکشانند. بنابه ارزیابی امام، وجه غالب استفاده از رسانه‌ها استفاده‌های نابجاست؛ چون این ابزارها در دست قدرتمندانی است که دغدغه رعایت حقوق بشر و

ضوابط دینی را ندارند و فقط در صدد حفظ، افزایش و استمرار قدرت خویش می‌باشند.

امام معتقدند که سوء استفاده از این رسانه‌ها از جمله سوق دادن جوانان به لهو و لعب و تشویق و دامن زدن به غرایز و شهوات جوانان اعم از زن و مرد، انرژی آنان را هرز می‌دهد و توان آنها را صرف مسائلی می‌کند که ذهن و فکر آنان مشغول می‌شود که از پیگیری مقاصد قدرتها و مقاومت در برابر آنان بازمی‌مانند:

«رادیوتلوویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تحذیر ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است.» (امام، ۱۳۳۸، ۱۹۴)

«رادیو و تلوویزیون یک دستگاهی است که هم در تبلیغات فاسد اهمیت زیادی دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح... این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است. باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت شوند. یک دانشگاه عمومی است. باید... ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد. آزادمنش بار بیاورد.» (امام، ۱۳۵۷، ۲۰۳۹)

امام خمینی (ره) به منظور مبارزه با «شیء وارگی» زنان، با آنچه رسانه‌های گروهی در این مورد انجام می‌دهند، مخالفت می‌ورزند.

۵- زنان و بهداشت

کاهش هزینه‌های بهداشت عمومی در کشورهای در حال توسعه، وضعیت بهداشتی نامناسبی را در شکل عام آن ایجاد کرده است. اما وضعیت زنان بیش از مردان آسیب‌پذیر است. زیرا شیوع فقر و وابستگی اقتصادی در میان زنان بیشتر است. همچنین تحمل خشونت و نگرشهای منفی نسبت به زنان و دختران، تبعیض نژادی، فقدان نفوذ آنان در اتخاذ تصمیم‌گیرها، تأثیری نامطلوب بر سلامت آنان دارد.

عوامل دیگر از قبیل:

- نابرابری در دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی در طول چرخه حیات زندگی

- توجه ناکافی دولت به بیماری‌هایی که به زنان اختصاص دارد نظیر سرطانهای زنانه.

- به مخاطره افتادن سلامت زنان به دلیل سنتها، فرهنگها و یا آیینهای به ظاهر دینی، نظیر ختنه زنان (مروتس، ۱۳۸۲، ۱۲۸) و یا تنبیه زنان توسط مردان خانواده و یا تأخیر آنان در غذا خوردن به دلیل ترجیح پسر بردختر یا مرد خانواده بر زن و یا ممنوعیت رجوع به پزشک. (عمان، ۱۳۷)

دسته دوم از مسائل بهداشتی مسائلی است که جنبه منطقه‌ای و ارزشی پیدا می‌کند:

- فقدان مراقبتهای بهداشتی مناسب برای زنان همجنس‌گرا. (عمان، ۱۳۷)

- فقدان خدمات سالم برای سقط جنین. (عمان، ۱۳۸۳، ۱۲۰)

هدفگذاری عمده عبارتند از:

- افزایش دسترسی زنان در طول چرخه حیات به خدمات بهداشتی و مراقبتی.

- تقویت برنامه‌های پیشگیرانه در بهداشت زنان. (سند پکن، ۱۳۷۵، ۷۹۸)

- اشاعه اطلاعات پزشکی در میان زنان. (انسانی و مطالعات فرهنگی)

منشأ پیدایش مسائل حوزه بهداشت در یک رابطه سیستماتیک به حوزه‌های مختلفی برمی‌گردد. مثلاً بعضی از آنها به فقر کلی جهان در حال توسعه و غارتگری کشورهای شمال برمی‌گردد. برخی به فقدان عدالت اجتماعی در اقشار مختلف جامعه و برخی به نگرشهای منفی نسبت به زنان و دختران ارتباط پیدا می‌کند.

اصلاح نگرش تبعیض‌آمیز نسبت به ترجیح جنس مذکر بر جنس مؤنث، از سوی امام خمینی (ره) طبعاً تبعات مثبتی بر توجه بیشتر به سلامت و بهداشت زنان خواهد داشت.

اصول وقواعد فقهی و حکومت یک اصل بر اصل دیگر، در مواقعی که جان و سلامت انسانها به خطر افتد، نیز ظرفیت مناسبی برای سلامت زنان در وضعیتهای اضطراری ایجاد می‌کند.

محکومیت فقهی تنبیه بدنی و خشونت شوهران و مردان علیه زنان و همسران خود و اجبار آنان به پرداخت دیه به میزان خسارات وارده نیز اثر پیشگیرانه مناسبی بر بهداشت و سلامت آنان از خود به جای می‌گذارد.

محکومیت نگرشهای سنتی و متحجرانه درباره ممنوعیت رجوع زنان به پزشک و یا ختنه زنان* و یا کتک زدن آنها و محدودیت برای آموزش و تحصیلات آنان نیز بخشی از مشکلات وارگی بهداشتی زنان را التیام می‌بخشد و درمان می‌کند. (شادلو، ۱۳۷۷، ۱۳۶)

همچنین ترویج نگرش‌های اخلاقی و تقویت نظافت و بهداشت از طریق گزاره‌های اخلاقی نظیر «النظافه من الایمان» و نیز سیره عملی بزرگان مذهبی در امر طهارت و نظافت ظاهری در ارتقای سطح بهداشت زنان در سه سطح خانواده، اجتماع و دولت، حائز توجه است.

امادسته دومی از مشکلات وارگی‌ها نظیر تلاش برای کسب حقوق بهداشتی برای همجنس‌گرایان یا تأمین امکانات بهداشتی برای سقط‌جنین ناشی از روابط نامشروع از نظر امام خمینی (ره) پذیرفته نیست. زیرا این‌گونه اقدامات نقض حقوق انسانیت انسان است و در نتیجه چون با انسانیت در تعارض است با اسلامیت نیز در چالش بوده، محکوم است. این‌گونه اعمال با فطرت انسان و جهان درون او و تعالیم همه ادیان الهی اعم از مسیحیت و اسلام در ستیز است.

* طبق بررسی‌های سازمان ملل در ۱۹۹۲ به‌طور مثال ۸۰ درصد زنان سنی مذهب مصر با این مسأله مواجه بوده‌اند.

زنان و محیط زیست

بحران محیط زیست مسئله ای عمومی است و همه بشریت اعم از زن یا مرد را تهدید می‌کند. با این همه زنان در قیاس با مردان آسیب‌پذیری متفاوتی نسبت به اثرات مواد سمی شیمیایی گوناگون دارند. این خطرات برای زنانی که در مناطق شهری و مناطق کم‌درآمد آن و جاهایی که مؤسسات آلودگی‌زا تمرکز بیشتری یافته‌اند، زندگی می‌کنند دارای نسبت بالاتری است. (سند پکن، ۱۳۷۵، ۱۷۸)

- توجه به «توسعه پایدار» و مرکزیت انسان در این گونه توسعه و غایت‌انگاری انسانها و از جمله زنان درباره بحران محیط زیست و حق برخورداری از یک زندگی سالم و هماهنگ با طبیعت از جمله توصیه‌ها در این حوزه است.

- تأمین شرکت فعال زنان در تصمیم‌گیریهای زیست محیطی در همه سطوح و گنجاندن دیدگاههای جنسیتی در خط‌مشی‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار توصیه دیگر است. (سند پکن، ۱۳۷۵، ۱۸۰)

هرچند امام خمینی (ره) در باره بحران محیط زیست و نقشی که بانوان جهان در کاهش یا حل آن می‌توانند ایفا کنند، اظهار نظر صریح نفرموده‌اند، می‌توان از اصول و دیدگاههای ایشان به‌طور استنباطی و تحلیل‌گونه سود برد. توجه به رابطه‌الگوی سه‌گانه «عقاید»، «فقه» و «اخلاق» اسلامی با محیط زیست به‌طور کلی لازم است.

همه‌جانبه‌نگری نهفته در توسعه پایدار و توجه به طبیعت به‌عنوان عالی‌ترین مظهر تجلی خداوند و عدم دستکاری در قوانین نهفته در آن موضوعی است که می‌تواند مباحث غایت‌گرایی اندیشه امام و هدایت‌تکوینی و تشریحی کل هستی به صراط مستقیم را مصداق‌یابی کند. هرگونه حرکت در جهت خلاف هستی، طبیعت، فطرت انسان موجبات

به هم خوردن هماهنگی و نظم کل هستی می شود و بحرانهای زیست محیطی، افسردگی و اضطرابهای درونی انسانها و اختلال در زندگی بشر را به دنبال خواهد داشت. زنان با توجه به قدرت عظیمی که بدلیل اعتقادات عرفانی و تجربیات اجتماعی دارند، در همه عرصه ها می توانند تعیین کننده باشند، از جمله در حل و کاهش بحران محیط زیست که آن را به مسئله ای جهانی تبدیل کرده است. چون این موضوع مسئله ای جهانی است کوشش منفرد کشورها راه به جایی نخواهد برد. حل آن نیازمند عزم و بسیج و مشارکت فراگیر و همزمان همه کشورهای دولتها و سازمانهای غیردولتی است. در چنین بسیجی، زنان می توانند نقشی هماهنگ کننده، بسیج کننده و در عین حال فعال کننده داشته باشند.

همان سان که امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی ایران را محصول مشارکت و همراهی و پیشقدمی زنان و نتیجه تحول درونی آنان می دانستند، تحول درونی زنان به تحول درونی ملت ایران و پیشقدمی آنان به فعال کردن و به میدان کشاندن مردان و برانگیختن روحیه بخشی به آنان منجر شد. آنچه که در ایران بزرگ تر از همه چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد. (امام، ۱۳۶۰، ۲۳۰) در حل این مسئله به مثابه موضوعی برای ضرورت مشارکت زنان می توان نگرست. آن هم مشارکتی در مقیاسی جهانی که بشریت را به طور یکپارچه تهدید کرده است. این تهدید مشترک می تواند سوژه ای برای همبستگی کل زنان جهان در پاسداری از امنیت و سلامت زیستی کره زمین قرار گیرد.

۷- خشونت علیه زنان (در وضعیت عادی)

خشونت جنسی هر فعلی است که مبتنی بر جنسیت باشد و به آسیب دیدگی جسمی، روانی یا جنسی زنان منتهی شود. (سندبکن، ۱۳۷۹، ۹۰) این خشونت در سه سطح درون خانواده، از سوی اجتماع، از سوی دولت صورت می گیرد. (همان، بند ۱۱۳)

۱-۲- عوامل بروز خشونت علیه زنان

یکی از عوامل خشونت ناشی از نگرشی است که زنان را از نظر منزلت فروتر از مردان می‌داند و از جانب روشهای سنتی، عرفی یا به ظاهر دینی تقویت و تغذیه می‌شود* و موجب می‌شود که چرخه حیات علیه زنان مشاهده شود. (سند پکن، ۱۳۷۵، بند ۱۱۸)

عامل دیگر پخش تصاویر اعمال خشونت علیه زنان در رسانه‌های گروهی به عنوان کالاها و اشیای جنسی و عیاشی است (همان) که موجب تقویت گرایشهای جنسی و خشن می‌شود. سودآوری توریسم جنسی و تجارت جنسی و خرید و فروش دختران و زنان و شبکه بین‌المللی روسپیگری از عوامل دیگر آن است. (همان، ۹۳)

اقدامات بایسته پس از وقوع خشونت و اقدامات پیشگیرانه عبارتند از:

- ۱) وضع قوانین یا تشدید مجازاتهای جزایی، مدنی، شغلی، اداری در قوانین داخلی برای مرتکبین خشونت علیه زنان؛
- ۲) تأمین دسترسی زنان آسیب‌دیده به مکانیسمهای قضایی در محیطی ایمن از انتقام‌جویی و حفظ آبروی آنان (بند ۱۲۴، ص ۹۶)؛
- ۳) تأمین سرپناه و حمایت امدادی از دختران و زنان آسیب‌دیده (بند ۱۲۵، ص ۹۷)؛
- ۴) برخورد با متخلفین در سطوح کارگزاران دولتی علیه زنان (بند ۱۲۵، ص ۹۷)؛
- ۵) سالم‌سازی برنامه‌های رسانه‌ها و آگاه‌سازی دست‌اندرکاران آن از تبعات برنامه‌های خود (بند ۱۲۵، ص ۹۹)

* فاطمه مرینی استاد دانشگاه رباط مراکش و از زنان اهل سنت و از منظری سنی مذهب و با نگاهی نقادانه دیدگاه اهل سنت نسبت به زنان در صدر اسلام را به چالش کشیده و روند بی‌اعتمادی به زن را در کتاب خود از منظر نگرشهای به ظاهر دینی بررسی کرده است: فاطمه مرینی؛ زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن پوش، برداشتی از حقوق زن در اسلام؛ ترجمه ملیحه مغازی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.

۶) تبعیت از هنجارهای بین‌المللی و مفاد کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (بند ۱۲۵، ص ۹۵).

دیدگاه امام خمینی (ره)

از نظر امام خمینی (ره) یکی از دلایل اعمال خشونت ناروا علیه بشریت از جمله زنان، قدرت صاحبان قدرتی است که فاقد تهذیب نفس می‌باشند. امام خمینی (ره) دلایل بروز چنین واکنش‌های نابهنجاری را در ضعف انسانیت و عدم مهارت‌ها و خودخواهی‌های افراد می‌داند. به نظر وی به میزانی که قدرت ایشان افزایش می‌یابد، باید ظرفیت مهار قدرت و استفادهٔ بهینه از آن نیز افزایش یابد. وی در تمثیلی از ابوعلی سینا نقل می‌کند که باید از گاو ترسید، چرا که وی شاخ (قدرت) دارد اما عقل ندارد. به نظر ایشان بسیاری از نابسامانی‌ها در خانواده، اجتماع و بویژه در عرصهٔ سیاست و دولتها در همین ضعف مهارت قدرت به دلیل عدم پرورش روحانی و تهذیب نفس انسانها خلاصه می‌شود.

ضرورت کارکرد تربیتی دولتهای صالح، برای هدایت و تربیت همین استعداد‌های بشری است تا انسانها بتوانند به رشد و بلوغ فکری و اصلاح گرایشهای غریزی تجاوزکارانهٔ خود بپردازند. این کارکرد دارای نقشی پیشگیرانه از بروز خشونت‌ها و بی‌عدالتیها می‌باشد.

منزلت فروتر زنان در قیاس با مردان، سرچشمه، دیگری از نقصانهای روابط زن و مرد است. امام با اصلاح این نگرش از منظر دینی، با پشتوانه‌های مقدس دینی، در جایگاه مرجعیت مذهبی به طور بنیادی ریشهٔ این رفتارهای ناصحیح را از بین می‌برد و بر رفتارها تأثیرگذاری می‌کند.

مبارزه با تفکر شیء‌انگاری زنان در رسانه‌ها و رفتار سیاسی و اجتماعی دولتمردان و سازمانها و تأکید بر سالم‌سازی رسانه‌ها از سکس و جلوگیری از

ترویج هیجانهای جنسی و عدم تقویت شهوات از جمله راهکارهای مؤثری است که می‌تواند بخش عظیمی از خشونت علیه زنان، بویژه خشونت جنسی را مهار کند. از طریق صدور احکام فقهی مناسب برای پیروان و مقلدان مذهبی نیز رفتار خشونت‌آمیز مؤمنان قابل کنترل است. بویژه آنکه این امر دارای پشتوانه‌های سنتی و متکی به متون دینی است. همچنان که در مورد ضرب و جرح بانوان احکام مشخص دیه در قبال هر سطحی از آسیب‌های جسمی تعریف شده است.

مراقبت بر رفتار کارگزاران دولتی، کانون توجه امام خمینی (ره) است و توصیه‌های مکرر و دقیقی در این باب ارائه کرده‌اند.

بهره‌گیری از سنت «امر به معروف و نهی از منکر» در سطوح مختلف، از اهرمهای اصلاح‌کننده و بازدارنده است.

علاوه بر نگرش و بینش مذهبی، احکام فقهی توجه به «توصیه‌های اخلاقی» نیز برای مهار و امحای خشونت ظالمانه علیه زنان، کارساز است.

۲-۷- خشونت علیه زنان در موقعیت غیر عادی و جنگی (زنان و مناقشات مسلحانه)

بخش دیگری از خشونت‌ها علیه زنان در وضعیت جنگی، اشغال خارجی، مناقشات قومی رخ می‌دهد. در این گونه موارد، تعداد قربانیان غیر نظامی بیش از نظامیان است. زنان در چنین اوضاعی آسیب‌پذیرترین اقشارند. تجاوز به عنف، به طور فردی یا تجاوز به عنف، به طور سازمان یافته، شکل‌گیری مهاجرت اجباری و ظهور پدیده آوارگی و پناهندگی زنان، گرسنگی، تشنگی، ضعف بهداشتی، سرما، گرما، وحشت روانی، بردگی جنسی یا آبستنی تحمیلی، عدم تساهل مذهبی، مجروحیت یا قتل و جز آن از جمله ابعاد و تبعات بروز این پدیده‌ها علیه زنان است. (سند)

پکن، ۱۳۷۵، ۱۰۳) شمار تلفات غیرنظامیان که به طور عمده زنان و کودکانند از شمار مرگ و میر جنگجویان فراتر و به حدود ۸۰ درصد قربانیان می‌رسد. (سند پکن، ۱۰۵، ۱۳۷۵)

محرومیت از حق بازگشت به سرزمین مادری (سند پکن) مرگ و میر زنان، ناشی از انفجار مینهای ضد نفر زمینی بعد از جنگ، از دیگر پیامدهای ناگوار جنگ و پدیده‌های از این قبیل است. (سند پکن، ۱۳۸) برای حل این معضلات مواردی پیشنهاد شده‌اند: تقاضا برای کاهش هزینه‌های نظامی، ترویج فرهنگ صلح، احترام به تنوع فرهنگی، کاهش منابع تشنج، افزایش مشارکت زنان در حل و فصل مناقشات مسلحانه و تصدی مسئولیت در این دوره‌ها، اعطای پناهندگی به زنان مهاجر و تأمین مساعدت به زنانی که در مستعمرات و مناطق خودگردان زندگی می‌کنند.*

دیدگاه امام خمینی (ره)

جنگها معلول شخصیت‌های جنگ طلب و نامتعادلی از سیاستمداران شیطانی است. سیاستمداران شیطانی کسانی هستند که در خانواده و کانونهای تربیتی دیگر، درست تربیت نشده‌اند و دچار عقده‌های روانی و غرایز و آرزوهای سرکوب شده می‌باشند. بخشی از این غرایز مهار نشده که به عقده‌های روانی تبدیل شده‌اند و از طریق سازوکارهای مختلف روانی می‌کوشند تا در بزرگسالی خود را ارضاء کنند، به کمبود محبت مادری در دوره کودکی برمی‌گردد. به اعتقاد امام فرهنگ عشق‌ورزی به صلح از واحد «خانواده» باید شروع شود.

قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در انسانهایی که فاقد ظرفیت و کشش هستند و روحشان بزرگ نشده است و به تعبیر امام خمینی (ره) تهذیب نفس نکرده‌اند،

* مرتوس و همکاران این بخش را با عنوان « حقوق انسانی زنان پناهنده، آواره و مهاجر» ذکر کرده و عمومیت بیشتری از حیث انگیزه‌های ترک وطن بدان داده است، ۱۳۸۲، صص ۲۸۲-۳۱۴.

دردرس‌ساز می‌شود. این قدرت هم برای خودآنان و هم برای اجتماعی که شعاع وجودی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد مصیبت می‌آفریند. (برزگر، ۱۳۷۳) اگر شهردار یک شهر است، اگر استاندار یک ایالت است، یا اگر رئیس‌جمهور یک کشور است یا رئیس‌جمهور در یک کشور ابرقدرت است، در هریک از این سطوح به همان میزان برای جامعه تحت پوشش خسارت و مصیبت می‌آفریند. تقویت باورهای مذهبی و گرایشهای انسانی و اسلامی می‌تواند مهم‌ترین نقش را در پیشگیری از وقوع جنگ داشته باشد.

امام خمینی (ره) کاهش هزینه‌های نظامی را به یکی از موانع مهم جنگ آفرینی تلقی کرده و پیوسته بدان تأکید ورزیده‌اند و از قدرتها می‌خواهند که این توان را در خدمت‌رسانی به محرومین جوامع خود و سایر جوامع در حال توسعه اختصاص دهند. امام در جایی آرزو می‌کنند که ای کاش بشریت به چنان رشدی برسد که همهٔ مسلسله‌ها و تفنگها را به «قلم» تبدیل کند.*

تعلیمات و آموزه‌های دینی، کشتار بی‌گناهان و غیرنظامیان را، که زنان بخش قابل توجهی از آنان هستند، محکوم می‌کند. طبق آیه‌ای از قرآن کریم کسی که یک نفر بیگناه را بی‌جهت بکشد؛ مثل آن است که همهٔ افراد بشر را کشته است.^۲ اخلاق مذهبی محدودیتهای زیادی را برای سیاستمداران معتقد ایجاد می‌کند.

زنان با توجه به قدرت عظیم خود نقش بسیار مهمی در ترویج فرهنگ صلح، تربیت صلح‌مداران و افکار عمومی ضد جنگ به عهده‌دارند. امام بر این اعتقاد است که اگر زنان درباره مسئله‌ای به اجماع برسند و برای تحقق آن بسیج شوند، کل جامعه را به دنبال خود می‌کشند. این موضوع درباره مبارزه با پدیدهٔ شوم جنگ نیز صادق است.

* برگرفته از پیام امام خمینی در باره این موضوع.

منابع فارسی

- ۱- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۵۵-۵۴، ۱۳۵۸/۹/۲۸ به نقل از آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۰۷.
- ۲- صحیفه نور، جلد ۴ ص ۱۰۴-۱۰۳، ۱۳۵۷/۱۰/۷ به نقل از آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۰۴.
- ۳- حسن طفرانگار، حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۴.
- ۴- سید حسن صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۱.
- ۵- حسن طفرانگار، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵.
- ۶- سند پکن، ۱۳۷۵.
- ۷- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۲۱، ۱۳۵۸/۱۰/۷.
- ۸- صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۱۲۱، ۱۳۶۳/۱۲/۲۱. بیانات امام در جمع بانوان به مناسبت روز زن.
- ۹- همان، مأخذ، همان صفحه.
- ۱۰- همان، جلد اول، ص ۱۳۵.
- ۱۱- همان، جلد اول، ص ۱۳۷.
- ۱۲- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۷۲، ۱۳۵۸/۳/۲۱.
- ۱۳- صحیفه نور، جلد ۴، ص ۳۳-۳۴، ۱۳۵۷/۹/۱۶.
- ۱۴- صحیفه نور، جلد ۴، ص ۱۳۰، ۱۳۵۷/۱۰/۷.
- ۱۵- صحیفه نور، جلد ۴، ص ۲۵۹، ۱۳۵۷/۱۱/۳.
- ۱۶- خدیجه سفیری، جامعه شناسی اشتغال زنان، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷، ص ۴۵.
- ۱۷- آیت الله علی جنتی، حجاب و آزادی، مجموعه مقالات کنفرانس، ص ۱۸۵ به نقل از حسن طفرانگار، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹.
- ۱۸- پایا به پای آفتاب، جلد اول، ص ۲۵۱، از اظهارات خانم دکتر فاطمه طباطبایی. همان، ص ۲۵۲.
- ۱۹- سند پکن، ۱۳۷۵، صص ۱۷۱-۱۷۵.
- ۲۰- وصیت نامه، جلد ۲۱، ص ۱۹۶-۱۹۴، ۱۳۶۸/۳/۱۵.
- ۲۱- همان، ص ۹۳.
- ۲۲- صحیفه نور، جلد ۵، ص ۲۰۳، ۱۳۷۵/۱۲/۲۹.
- ۲۳- سرتوس، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸.
- ۲۴- همان، ۱۲۷.
- ۲۵- همان، ص ۱۳۷ و ۱۲۱.
- ۲۶- همان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰.

۲۷- سند پکن، ۱۳۷۵، ص ۷۹.

۲۸- سیده شادلو، سیمای زن در جهان معاصر: مصر، تهران، نشر برگ زیتون، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶.

از سند پکن، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸.

۲۹- صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۳۰، ۲/۳/۶۰.

۳۰- سند پکن، ۱۳۷۵، بند ۱۱۳، ص ۹۰.

۳۱- همان، بند ۱۱۳. سند پکن، ۱۳۷۵، بند ۱۱۸.

۳۲- همان.

۳۳- همان، ص ۹۳.

۳۴- سند پکن، ۱۳۷۵، بند ۱۰۳، ص ۱۰۳.

۳۵- همان، بند ۱۳۴، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳۶- همان، ص ۱۰۶.

۳۷- همان، بندهای ۱۳۸ و ۱۴۳.

۳۸- ابراهیم برزگر، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی